

«پیکرگردانی در اساطیر»

مؤلف: منصور رستگار فسایی

نوبت انتشار: دوم

محل نشر: تهران

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال انتشار: ۱۳۸۸

تعداد صفحات: ۴۸۳

منتقدان:

دکتر سجاد آیدنلو

دکتر حسینعلی قبادی

معرفی اثر

موضوع این کتاب توصیف دگردیسی‌های اساطیر ایرانی با عناصر فرهنگ، عرفان، ادبیات و هنر ایران زمین است. در این ترکیب پذیریه‌ها اساطیر با بار مفهومی تازه ظهور کرده‌اند.

۱۵۶ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

با اینکه محور اصلی این کتاب نشان دادن جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌های اساطیر ایرانی در پهنه ادبیات و فرهنگ ایران است؛ نویسنده در کنار آن به تحولات اساطیر چند تمدن عمده و دارای دیرینه‌ای که‌هاز جمله یونان، روم، هند و مصر نیز پرداخته است.

از دیدگاه مؤلف، پیکرگردانی‌ها یا اساطیری (Transformation و Metamorphoses)، «آینه آرزوهای انسان» بیان شده است و «دامنه تمنیات، عقده‌ها، ارزش‌ها، خلاقیت‌ها و راه‌حل‌سازیه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نشان می‌دهد». (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: پانزده). معنای پیکرگردانی «تغییر شکل ظاهری و ساختمان و اساس هستی و هویت قانونمند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراءالطبیعی است که این امر در هر دوره و زمانی غیرعادی به نظر می‌رسد». (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۴۳)

نویسنده با پردازش مباحثی پر دامنه و تفصیلی و ذکر شواهدی گسترده از لابلای متون ادب فارسی و متون سایر کشورهای جهان، دگرگونی و تبدلات اسطوره‌ها را معرفی می‌کند.

امتیازات شکلی و محتوایی

نثر کتاب با توجه به سابقه دیرین قلم‌زنی دکتر رستگار فسایی در عرصه پژوهش‌های ادبی، روان و استوار و مطابق با اصول نگارش آثار تحقیقی است. قواعد ویرایشی و نگارشی به طور کامل و دقیق رعایت شده است، از جمله: درست نویسی، به کار بردن علائم نگارشی، ارجاعات درون متنی، قاعده مندی فهرست منابع و ...

حروف نگاری، صفحه آرایی، صحافی، طرح جلد و ... همانند دیگر کتاب‌های ناشر، شکلی مطلوب دارد. اگر در فهرست مطالب، صفحات دقیق مباحث فرعی هر فصل نیز مشخص می‌شد، کار دقیق‌تر و مفیدتر می‌بود. تغییراتی که از نظر شکلی در این چاپ، نسبت به چاپ پیشین ایجاد شده، شامل نوع قلم، حروف چینی مطالب روی جلد (نام کتاب و مؤلف) و رنگ جلد آن است.

نویسنده هر جا که لازم بوده از اصطلاحات اسطوره‌شناسی و فنون مربوط به آن استفاده کرده است؛ مثل ناخودآگاه جمعی، تولد و مرگ اساطیر، انعطاف‌پذیری اسطوره.

پیکرگردانی در اساطیر ۱۵۷

مهمترین، نظرگیرترین و زیباترین معادل‌گذاری اصطلاحی در این اثر، نام آن است: «پیکر گردانی» که معادل Metamorphoses و Transformation است. در فصول اول و دوم کتاب، برای تمهید مقدمه برای ورود به بحث اصلی، تعاریف و مباحث نظری لازم به خوبی مطرح شده است. عنوان و محتوای کتاب کاملاً همخوانی دارد و همه مطالب مذکور در فهرست، در متن نیز ذکر و بررسی شده است.

سایر مزایای علمی اثر را می‌توان چنین بر شمرد:

- جنبه تخصصی و تمرکز بر مبحث ویژه پیکرگردانی
- ساختارمندی و ترسیم شاکله و اجزای اثر از طریق عرضه فهرست تفصیلی تقریباً دقیق
- جرأت مؤلف در انتخاب نام اثر و تالیف در حوزه‌ای که در ایران تقریباً بی‌سابقه بوده است
- جامعیت بخش‌هایی از مباحث و تجمیع و تلفیق و پردازش، اطلاعات گوناگون بر محوریت موضوعی خاص
- طرح نکات نو و عالمانه
- تسلط نویسنده بر مباحث گوناگون ادب فارسی، ادب اسطوره‌ای و حماسی و سیر دگرگونی‌های آن

- بازتاب اطلاعات تطبیقی و بین‌المللی نویسنده

- روانی و یکدستی نثر
 - نوآورانه بودن اثر
- با توجه به ویژگی‌های فوق، این کتاب می‌تواند در دروس شاهنامه (کارشناسی ارشد ادبیات فارسی)، تحقیق در متون حماسی (دکتری ادبیات فارسی) و آشنایی با اساطیر ایرانی (کارشناسی فرهنگ و زبان‌های باستانی) در مبحث اسطوره، به عنوان منبع فرعی و جانبی - درباره یکی از موضوعات و مسائل این بحث - استفاده شود و فعلاً تنها مأخذ مستقل درباره پیکرگردانی است که به زبان فارسی نگاشته شده است. تقسیم‌بندی‌هایی که در موضوع مورد

۱۵۸ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

بررسی صورت گرفته، حاصل ابتکار خود نویسنده است. وی از همه منابع مرتبط و موجود، تا هنگام تألیف چاپ اثر بهره جسته است: ۲۳۶ مأخذ فارسی، عربی و انگلیسی. نظم طرح مطالب و انسجام و روشمندی مطالب فصول، علمی است؛ جز آنکه فصل‌های سیزدهم و چهاردهم، از نظر حجم و تعداد صفحات در اندازه متعارف و تعریف اصطلاحی «فصل» کتاب نیست و بسیار کوتاه است.

اشکالات شکلی و محتوایی

اگرچه این کتاب، برای بار دوم است که چاپ می‌شود، عیوب چاپ پیشین همچنان باقی است. این نکات در قالب «ملاحظات» و «موارد قابل ذکر» مطرح می‌شود:

الف) ملاحظات:

۱- عدم هماهنگی در ارجاع به متن شاهنامه که با وجود پنج جلد خالقی مطلق، از چاپ کم اعتبارتر استفاده کرده است.

۲- در صفحه ۳۳ گفته شده است که در شاهنامه کیومرث نخستین شاه است و نه نخستین انسان؛ ولی خراد برزین در ستایش یزدان در پیشگاه قیصر می‌گوید:

چو از خاک مرجانور بنده کرد
نخستین کیومرث را زنده کرد

۳- آنچه در مورد خروس و سروش در متون آمده مشمول پیکرگردانی نیست، به خلاف پندار مؤلف در صفحه ۴۷.

۴- اینکه رستم، چون ببر بیان «را می‌پوشد، پرواز می‌کند» (ص ۴۸) در شاهنامه نیست و «بال بر آوردن» (مسکو ۷۱/۹۰/۲) و «پر بر آوردن» (خالقی ۱۳۶۱/۱۸۸/۳) کنایه از اوج شکوه و شادی و اقتدار است.

۵- درباره توانایی انسان برای تغییر پیکر خود یا دیگران (صص ۴۸ و ۴۹) پیشنهاد می‌شود ارتباط مواردی چون: نوشداروی کاووس، جام جهان بین کیخسرو، ببر بیان رستم، رویین تنی اسفندیار و ... با موضوع مورد بحث بیشتر توضیح داده شود، زیرا ظاهراً هیچ پیوندی نیست.

بیکرگردانی در اساطیر ۱۵۹

- ۶- در شاهنامه تصریحی به چهره برگردانی «سروش» نیست. به خلاف آنچه مؤلف در صفحه ۵۱ پنداشته، به نظر می‌آید آنکه به فریدون افسون می‌آموزد، یکی از یزدان پرستان است و نه سروش (← خالقی ۲۷۴/۷۲/۱-۲۷۶). شخصی که به خواب سام می‌آید نیز نقش آگاهی بخشی دارد (← ص ۵۱).
- ۷- درباره اسب آبی بیرون آمده از چشمه سو، که یزدگرد را می‌کشد، روایت شاهنامه اصیل تر است (مسکو ۲۸۳/۷ و ۳۴۷/۲۸۴-۳۶۴)، که البته مؤلف آن را تغییر شکل یافته سروش دانسته (← ص ۵۲) درحالی‌که این مسئله با شاهنامه مغایر است.
- ۸- دلایلی کافی برای سروش دانستن سیمرغ در داستان رستم و اسفندیار نمی‌توان تصور کرد (← ص ۵۵).
- ۹- گور راهنمای بهرام چوبین به کاخ زن تاج دار (← مسکو ۱۴۱۱/۳۹۹/۸-۱۵۰۰) به احتمال بسیار چنانکه مؤلف هم پنداشته، تغییر شکل یافته فر بهرام نیست (← ص ۶۴) بلکه باید ریشه آن را در قالب الگوی داستانی نقش نخبچیران در هدایت پهلوان یا پادشاه به جایگاه دیو و پری و زن جادوگر بررسی کرد.
- ۱۰- آیین پادشاه یونانی در سلامان و ابدال جامی ارتباطی با «جام جهان نما» در روایات ایرانی ندارد (← ص ۱۰۶) و فقط از مصادیق ابزارهای رازگشاست.
- ۱۱- روایت اساطیری مرگ کیومرث و روییدن ریواس، از کتاب "داستان" یک روح دکتر سیروس شمیسا نقل شده (← ۱۰۸) که در این باره منبع درجه پنج و شش است. پیشنهاد می‌شود به بندهش یا «نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان» اثر آرتور کریستین سن ارجاع داده شود.
- ۱۲- این بیت، از فردوسی (← ص ۱۹۲) نیست و از اسدی است:
پی مورچه بر پلاس سیاه
شب تیره بیند دو فرسنگ راه
- ۱۳- در منابع پهلوی، پارسی و عربی به خلاف پندار مؤلف (← ص ۲۱۷) نشانی از گیاه تباری کیومرث نیست.
- ۱۴- درباره مدت پادشاهی تهمورث (← ص ۲۲۲) و جمشید (← ص ۲۲۳) به مأخذ، اشاره شود.

۱۶۰ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

- ۱۵- بر اساس نظر بارتولمه، معنای واژگانی «سام» سیاه دانسته شده است، (← ص ۲۴۱) باید این نظریه را نیز افزود که ممکن است از ریشه Sam و در معنای کوشا و چالشگر باشد.
- ۱۶- در صفحه ۳۰۹ به استناد ضبیطی غیر اصیل، اژدهای «گاوفش» را از چهره‌های اژدها در منابع ایرانی معرفی کرده است. (برای شکل اصیل بیت ← خالقی ۱۸۰/۲۳۵/۵)
- ۱۷- آنچه در «پیکرگردانی از انسان به خاک» بر اساس فارس‌نامه ابن بلخی شاهد آورده شده، مطابق با «پیکرگردانی» نیست و بیشتر در قالب پیکرسازی و نمونه / شبیه سازی می‌گنجد.
- ۱۸- برخلاف گفته نویسنده، (← ص ۴۰۷) سمندر مربوط به «اساطیر» ایران نیست و در معتقدات عامیانه و متون ادب پارسی دیده می‌شود، ضمن آنکه اصل آتشی ندارد و فقط در آتش نمی‌سوزد.
- ۱۹- دلارای در بهمن نامه و عالم افروز در سام نامه انسان نیستند که ماجرای آنها در پیکر گردانی انسان به آهو و گور مطرح شود (← صص ۴۲۷ و ۴۳۳). دقیق تر آن است که این نمونه‌ها ذیل بحث «پیکرگردانی پریان به جانوران» بررسی شود.
- ب) موارد قابل ذکر:
- می‌توان به این موارد نیز، در کتاب پرداخت:
- ۱) در بحث سیمرغ و ارتباط توتیمیک او با مظاهر گیاهی (← ص ۵۶) می‌توان به ماجرای زاده شدن رستم نیز اشاره کرد که در آن سیمرغ، گیاه درمان بخش را برای بهبود زخم رودابه به زال معرفی می‌کند (← خالقی ۱۴۶۲/۲۶۷/۱ و ۱۴۶۳)
- ۲) در بخش «موجودات دوجنسی» (صص ۱۰۷-۱۱۰) از منابع ایرانی، رامشگر نیمه زن و نیمه مرد پادشاه روم در گرشاسپ‌نامه (← ص ۳۲۲) قابل ذکر است.
- ۳) در موضوع «زنده کردن مردگان و راه یافتن به درمان‌ها» (صص ۱۱۴-۱۱۸) نمونه بسیار مهم، کاوی اوسن است در مها بها را تا.
- ۴) پیکرینگی روح در قالب پرنندگان (← صص ۱۹۸-۲۰۷) در اندیشه‌های ایرانی نیز راه یافته است: بریدن روان (← مسکو ۸۴۴/۲۳۳/۲). ترکیبات «مرغ جان» و «مرغ روح» نیز در ادب پارسی از این نظر سزاوار توجه است.

بیکرگردانی در اساطیر ۱۶۱

۵) درباره «بیکرگردانی پریان» (← صص ۲۷۱-۲۷۷)، از شواهد ایرانی، روایت کهن کاووس و سریت در دینکرد و زاد سپرم نیز در خور ذکر است.

۶) روایت ذکر شده در کتاب سریانی تئودور بارکنای (تألیف ۷۹۱-۷۹۲ م) درباره افراسیاب حتماً باید به بحث مربوط افزوده شود (← ص ۲۸۸)

۷) در بخش «خون و خلقت و بیکرگردانی» (ص ۳۸۲) پیشنهاد می شود به رستن درخت از خون سیاوش در شاهنامه و گل و لاله از خون صدر چاوی در غازان نامه اشاره شود.

۸) در فصل «بیکرگردانی‌های انسان» (← ص ۴۲۱ به بعد) به «شاه سوسو» در حماسه‌های آفریقایی اشاره شود. (← شالیان ژرار (۱۳۷۷) گنجینه حماسه‌های جهان، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: نشر چشمه، ص ۸۰۴).

۹) برای تبدیل زنی زهره نام به ستاره به گناه اغوای هاروت و ماروت، این بیت مثنوی مناسب‌تر است:

چون زنی از کار بد شد روی زرد مسخ کرد او را خدا و زهره کرد (دفتر اول / بیت ۵۳۵)
همچنین بهتر است مولف محترم در چاپ‌های بعد موارد زیر را لحاظ کنند:

- ضرورت افزودن مبحثی به‌عنوان تمهیدات، چهارچوب نظری و منطق پژوهش:

در وضعیت فعلی در کنار نقاط قوت اثر، پایه نظری کتاب سرگردان و مباحث آن نابسامان و بدون تکیه‌گاه و فاقد منطق نظری است. به همین دلیل در این اثرانسجامی به چشم نمی‌خورد که بتواند نشان بدهد تمام مباحث بر محور نظریه‌ای معین می‌چرخد. این نابسامانی به حدی است که در پاره‌ای مطالب، تناقض و تباین به چشم می‌خورد.

اگر نویسنده توانا، مبانی نقد کهن‌الگویی و رهیافت هرمنوتیک را اساس مباحث نظری قرار می‌دادند و از مباحث نظری مربوط به شعور کیهانی و مسأله همذات‌پنداری برای تبیین مسأله کمک می‌گرفتند و از دیگر سو به نظریه تبدل و انطباق [جای گشت] (displacement) در کتاب تحلیل نقد (فرای، ۱۳۸۷: ۱۶۵) توجه می‌کردند، واز دیدگاه نقد اسطوره‌ای و برپایه چهارچوب نظری نقد کهن‌الگوهای شالوده کتاب راپی می‌ریختند، بسیاری از مباحث بی‌شیرازه و جزیره‌ای فعلی آن، سامان مرکزی پیدا می‌کرد و از پراکندگی وضعیت موجود رها می‌شدند.

۱۶۲ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

- ضرورت افزودن مبحثی با عنوان «هدف تألیف»، «روش پژوهش»، «چرایی مباحث ساختار کتاب» و «تعریف مفاهیم کلیدی»:

در سراسر پیشگفتار از پرداختن به مقوله‌های بسیار بنیادی تبیین هدف، روش‌شناسی و سخن گفتن از چرایی گزینش و ترتیب سرفصل‌ها و... خبری نیست؛ اما برعکس غلبه احساسات، عواطف و سمت‌گیری انشایی براستدلال و بیان روشنگر و روشمندان مشهود است. افزودن مبحثی مستقل به عنوان «تعریف مفاهیم» در چنین اثری ضرورتی مضاعف دارد. با عنایت به اینکه اثر حاضر کاملاً تخصصی و برمحور یک مبحث ویژه در حوزه اسطوره‌شناسی متمرکز است و اصطلاحات فنی فراوان و شبکه‌ای از مفاهیم ویژه اسطوره‌شناسی را در بردارد، لازم بود که نویسنده فاضل مبحثی مستقل را برای تعریف و تبیین اصطلاحات تخصصی اثر اختصاص می‌دادند. زیرا در وضعیت فعلی، خواننده تا حدودی سرگردان است و برای دریافت کامل مقصد مؤلف باید به جای جای کتاب بصورتی پراکنده مراجعه کند تا ارتباط شبکه این مفاهیم را دریابد و گاه نیز به دلیل روشن نبودن مرزهای مفاهیم، متن مبهم و مقصد نویسنده پنهان یا سردرگم است.

چنین نقیصه و کمبودی فهم مطالب برخی فصول یا مباحث را مشکل می‌سازد. شاید یکی از دلایل همپوشانی مباحث فصلها یا رعایت نشدن ترتیب منطقی و نبود رابطه طولی میان مباحث نیز همین کاستی باشد.

فقدان مبحث تعریف مفاهیم و روشن نشدن مرزها و وجوه تمایز مفهوم‌های کلیدی موجب شد که مؤلف در اثنای مباحث میانین یا پایانی کتاب و در حین استدلال برای اثبات جزئیات مباحث و نقل شواهد و استنادات مجبور شود به تعریف پاره‌ای از مفاهیم بپردازد یا نسبت و مرزهای آنها را با یکدیگر توضیح دهد. به عنوان نمونه بحث «اسطوره و ادبیات و هنر» که در فصل چهارم آمده است باید در فصل اول و در ذیل گفتار «تعاریف مفاهیم و اصطلاحات فنی و اختصاصی این اثر» می‌آمد.

- ضرورت افزودن مبحثی با عنوان: شبکه مفاهیم کلیدی مرتبط با پیکرگردانی.

- تکمیل پایه‌های نظری و روش‌شناسی کتاب با تأکید بر وجه ادبیتبه عنوان رکن زیبایی‌شناسانه متن‌های اسطوره‌ای، بویژه همدوشی دگرگونیها و دگردیسی نمادها با اسطوره‌ها.

نتیجه گیری و پیشنهادات

این کتاب از چند وجه در زمینه مطالعات تخصصی اسطوره‌شناسی و ادبیات قهرمانی ایران و جهان دارای اهمیت است:

- نو بودن این مقوله در ادب فارسی و کمبود منابع دانشگاهی ایرانی در این حوزه تخصصی
- جامعیت مباحث کتاب از حیث پرداختن به تمام وجوه دگردیسی اسطوره‌های ایرانی تقریباً از آغاز تا رسمیت یافتن ادب فارسی و اوج و شکوه آن.

- عرضه یکجا و یکپارچه اطلاعاتی پر دامنه و تطبیقی در حوزه‌های گوناگون بیکرگردانی و تاریخ تحول اسطوره‌ها.

به دلیل نوآورانه و پیشتاز بودن موضوع اثر در پاسخ به نیازهای حوزه ادبیات حماسی و اسطوره‌ای ایران - با وجود همه کاستی‌های برشمرده شده - این اثر ارزشمند است.

بایسته است مجموعه مباحثی که در آن درباره قرآن کریم و ادبیات عرفانی اظهار نظر شده، حذف گردد. در ساختار کتاب بازنگری و تدقیق صورت گیرد و ویرایش مجدد انجام شود.

در صورت اعمال اصلاحات، می‌توان وجود چنین مبحث یا کتابی را در مجموعه سرفصل‌های درس تحقیق در متون حماسی و قهرمانی مقطع دکتری ادبیات فارسی مناسب دانست. و همچنین می‌توان آن را برای چندین رشته دیگر و مطالعات بین‌رشته‌ای این حوزه که در متن نقد آمده است، توصیه کرد.